

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: شباهنگ راد

۳۰ اپریل ۲۰۱۷

اول ماه می و خلاء موجود در جنبش کارگری

طبقه کارگر جهانی، در این روز و در ابعادی گسترده، علیه سرمایه به میدان می‌آید و بار دیگر، خواسته‌ها و مطالبات اولیه خود را در گردهمایی‌ها، میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های خیابانی اعلام می‌کند. به یقین چهره خیابان‌های جهان، در این روز شکل دیگری به‌خود می‌گیرد و کارگران، متحدانه، توجه افکار عمومی را نسبت به آنچه سرمایه داران در حق آنان روا می‌دارند، به نمایش می‌گذارند. بی تردید در وصف و در حول حوش جنبش‌های اعتراضی کارگران و همچنین پیرامون علل و پیدایش این روز، هزاران نوشته و صفحات سیاه شده مبارزاتی وجود دارد که بی تردید هر یک از آنان، بازگو کننده نقش و جایگاه مبارزاتی طبقه کارگر علیه سیاست‌های ظالمانه حاکمان و استثمارگران است.

سال‌ها و در حقیقت، دهه هاست که شدت تنش‌های سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر، با کارفرمایان و وابستگان به سرمایه جهانی بالا گرفته است و متأسفانه، علی رغم کثرت اعتراضات و درگیری‌های متعدد، علی رغم دستاوردهای مبارزاتی گرانبها و همچنین علی رغم جنگ و جدل‌های روزانه و دائمی با سرمایه داران، نه تنها زندگی کارگران بهبودی نیافته بلکه دهشتناکتر هم شده است. کارگر در سرتاسر جهان، در تلاش، برای دستیابی به حقوق اولیه و ناچیز زندگی است. از یک طرف سرمایه با افسار گسیختگی تمام در صدد تعرض و به تسلیم واداشتن کارگران، از حقوق اولیه شان می‌باشد و از طرف دیگر، استثمار شونده‌گان و علی رغم بگیر و ببندها، سختی‌ها و دشواری‌های سیاسی - اقتصادی، در صف و در میدان مقدم مبارزه اند. دو سو و یا چند سوی تضادها و کش و قوس‌های طبقاتی، بر فضای تمامی جوامع سرمایه داری سایه انداخته است، و به موازات آن و با وجود تنش‌های مبارزاتی همه‌جانبه و روزانه جهان انسانی، کمتر شاهد پیشروی جنبش کارگری، علیه سرمایه داران حاکم است. به تعبیری، دلیل و عدم پیشرفت و تحقق خواسته‌های اولیه طبقه کارگر، نه در ایستایی مبارزات و اعتراضات شان، علیه کارفرمایان و یا صاحبان تولیدی، بلکه در خلاء بسیار عظیم و در فقدان مزمن عنصر و نیروی مدافع طبقه کارگر و مهمتر از آنها به فقدان و به عدم فعالیت‌های عملی و ارتباط نمایندگان سیاسی طبقه کارگر در سطوح متفاوت جامعه و به ویژه در میادین تولیدی مربوط می‌شود.

به عبارت روشنتر و پیداست که، نه از بار و نه از تعرض سرمایه داران برای کسب سود و درآمد بیشتر کاسته شده است و نه کارگران از میادین اعتراضی به دور شده‌اند و از طرح خواسته‌ها و مطالبات شان، پا پس کشیده‌اند. چنین

اوضاع و وضعیتی فراکشوری، فرامنطقه‌ئی و در حقیقت جهانی ست و متأسفانه در زیر سلطه سرمایه داران، گوشه‌ای از جهان را نمی‌توان یافت که کارگران، بدون دغدغه و بدون تلاش برای تهیه امکانات اولیه زندگی، روز و روزگارشان را سپری کنند. شدت استثمار و مشکلات دست‌ساز سرمایه داران آنچنان بالا و طاقت فرسات که مجال هر گونه زندگی آرام را برای یگانه طبقه تا به آخر انقلابی سلب نموده است. ادامه سیاست ریاضت کشی و اخراج های بی‌رویه، کاهش دستمزدها و ازدیاد ساعات کاری، قطع امکانات اولیه بهداشتی و ایمنی، فسخ قراردادهای طولانی و غیره از زمره اوضاع دهشت باریست که سرمایه داران بین‌المللی، در یکی دو دهه اخیر و آنهم در ابعادی ناهنجار، به کارگران سرتاسر جهان تحمیل نموده‌اند. هزاران سند پیرامون چند سوی کش و قوس‌های جوامع طبقاتی موجود است و می‌توان به اثبات رساند که، سرمایه بر شدت و بر میزان تعرض خود افزوده است و به موازات آنهم می‌توان نشان داد که کارگران علی‌رغم سرکوب و بگیر و ببندهای ارگان‌های وابسته به سرمایه، بر میزان و بر شدت مبارزات و اعتراضات شان افزوده‌اند؛ اعتراضات و مخالفت‌هایی که مدت‌هاست تجلی خود را با تجمع در مقابل ادارات دولتی، نهادها و دیگر ارگان‌های وابسته به سرمایه داران به نمایش می‌گذارد.

به سخن دیگر سرمایه همچنان به معیشت کارگران حمله ور می‌شود، نه به این دلیل که، کارگران فاقد تشکلات لازمه کارگری‌اند، بلکه به این دلیل که، میادین تولیدی و جامعه، فاقد نیروی سازمان‌یافته کمونیستی ست. چنین خلای عظیم و طولانی را می‌توان بین دو طبقه‌میرنده و بالنده به عینه رؤیت نمود. به طور نمونه، هزاران اعتراض کارگری پیرامون بی‌عدالتی‌های موجود، کاهش دستمزدها و اخراج‌های بی‌رویه، در حوزه حمل و نقل و در دیگر میادین تولیدی کشورهای همچون انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، آمریکا و دیگر کشورهای به اصطلاح پیشرفته سرمایه داری جهانی وجود دارد که به نوبه خود مبین این واقعیت است که جنبش طبقه کارگر، جنبشی زنده، جاری و دائمی ست، و در مقابل سازمان‌ها و احزاب مدافع آنها، ساکن، آرام، بی‌روح، و فاقد برنامه کمونیستی و چشم اندازهای روشن و لازمه‌اند. به طور قطع، علل اصلی تداوم چنین وضعیت و یا نا سرانجام جنبش‌های اعتراضی کارگران، ریشه در چنین اوضاع تأسف بار، و ریشه در فقدان ارتباط نمایندگان سیاسی طبقه کارگر با جنبش‌های اعتراضی آنان دارد.

این سیمای واقعی جهان کارگری ست و بی‌گمان، اوضاع کارگران کشورهای زیر سلطه سرمایه داران از جمله ایران هم به مراتب دردناکتر و وخیم‌تر از موقعیت و وضعیت کارگران کشورهای جهان سرمایه داری همچون انگلستان، فرانسه، آلمان و غیره است. متأسفانه در ایران زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی، دریافت حقوق از کارخانه داران و سرمایه داران، به یکی از معضلات اساسی طبقه کارگر ایران تبدیل گشته است. عدم پرداخت حقوق چند ماهه و چند ساله عرصه زندگی را برای سازندگان اصلی جامعه تنگ نموده و در این میان کسی به فکر کارگر نیست. نظام حاکم و سرمایه داری وابسته ایران، راه هر گونه تجمعات و تشکلات کارگری نیم بند را بسته است و به اشکال متفاوت کارگران را استثمار و سرکوب می‌کند. به دنباله آن نهادها، انجمن‌ها و شوراهای به اصطلاح کارگری در میادین تولیدی هم نقش سوپاپ اطمینان طبقه سرمایه داری را ایفاء می‌کنند و بر موقعیت وخیم کارگران می‌افزایند؛ شوراها و نهادهایی که در عمل، به عنوان سخنگو و مجریان سیاست‌های سرمایه داران به حساب آمده و همسو و همجهت با آنان هر گونه اعتراضات کارگری را سرکوب و به انحراف می‌کشانند. به طور نمونه، کارفرمایان حقوق کارگران را نمی‌دهند و هر زمان کارگر برای مطالبات و دست‌مزدهای معوقه اش، دست به اعتراض زده است، مورد شناسائی و ضرب و شتم دم و دستگاه‌های وابسته به نهادهای کارگری و سرکوب قرار

می‌گیرد. مشکلات و معضلات طبقه کارگر ایران یکی دو تا نیست. در درون و در میادین تولیدی فاقد حامی و پشتیبانی تشکلات کارگری سالم است و در بیرون و در درون جامعه هم از وجود حامی عملی و نمایندگان حقیقی در برابر نظام رژیم جمهوری اسلامی در رنج و عذاب می‌باشد. این اوضاع دردناک و رقت بار است که نزدیک به چهار دهه بر فضای جنبش کارگری و جامعه ایران سایه انداخته است و بر هزینه‌های آن و دیگر جنبش‌های اعتراضی می‌افزاید.

با این اوصاف پاسخ اصلی به چنین وضعیتی، نه درخواست و نه تقاضای عقب نشینی از استثمار بی رویه و وحشیانه سرمایه داران در میادین تولیدی و نه انتظار بیش از این و تقاضا از طبقه کارگر با عناوینی همچون «...» با خانواده‌های تان در معابر و در اماکن عمومی چادر بزنید...»، بلکه در حضور و در عکس العمل سازمان‌ها و احزاب مدعی وابسته به منافع کارگران تا سرحد سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهور اسلامی ست. جنبش کارگری جهانی و از جمله کارگران ایران نیاز به حامیان عملی در دوران اعتراضی و در دوران طرح مطالبات اولیه‌شان علیه کارخانه داران و دم و دستگاه‌های حافظ بقای سرمایه داران دارند؛ نیاز به بُرش و نقش آفرینی و ارتباط با نمایندگان سیاسی به منظور سمت و سو دادن مبارزات و اعتراضات شان و آنهم در هنگامه یورش وحشیانه سرمایه داران و دیگر نهادها و ارگان‌های وابسته به آنان در میادین تولیدی و در دیگر سطوح متفاوت جامعه دارند. زمان بسیار طولانی ست که سرمایه و کارگر در مقابل هم و در دو سوی میدان قرار گرفته اند و به موازات آنها، نیرو، سازمان و حزب مدعی مدافع کارگر هم موظف به حضور و هم موظف به نقش آفرینی فعال، عملی و سازمانیافته است. به این دلیل که هیچ انقلابی بدون نقش سازنده نیروی با برنامه کمونیستی به ثمر نخواهد رسید و همچنین طبقه کارگر و دیگر توده‌های ستم‌دیده به خواسته‌ها و مطالبات دیرینه‌شان دست نخواهند یافت، مگر آن که جامعه و میادین تولیدی شاهد عرض اندام و دخالت‌گری سازمان و حزب کمونیستی علیه سرمایه داران و حاکمان باشد. خلاصه تغییر ریل و فضای سیاسی کنونی در گرو قبول بار و مسئولیت پذیری کمونیستی و در گرو پُر نمودن تپه چاله‌ها و خلای عظیم و موجود بین طبقه‌میرنده و بالنده است، شکی در آن نیست که، خواسته‌ها، مطالبات و امر مبارزه کارگران زمانی متحقق و مسیر صحیح خود را خواهند یافت، که سازمان و حزب مدعی وی نظام سرمایه داری و تمامی دار و دسته‌ها و ارگان‌های حافظ بقای آنانرا و آنهم با اتکاء به مبارزه مقابله‌ای و عملی نشانه گیرد و در همان حال به سازماندهی جنبش‌های اعتراضی آنان بپردازد. این تنها راهیست که به طبقه کارگر مجال خواهد داد تا پرچم تشکل، ارگان و نهاد وابسته و حقیقی به خود را در درون کارخانه‌ها بر افرازد و دست سرمایه داران را از میادین تولیدی و جامعه قطع نماید.

۲۸ اپریل ۲۰۱۷

۸ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶